



واکناسیون رایگان و همگانی صفحه ۵

افغانستان و آموزش ما صفحه ۶

مصاحبه با رضا شهابی (۳)

پیروزی آلترناتیو کارگری در گرو چیست

مروری بر یک قرن سکوت (۳)

صفحه آخر

صفحه آخر

صفحه آخر

وضع کنونی و جنبش کارگری

جنگ هفتاد و دو ملت

در دو دهه گذشته جنبش کارگری در یک مبارزه سخت و پیگیر برای ایجاد تشکلات مستقل خود درگیر بوده است. حوادث متعددی از ترور و دستگیری و شکنجه و زندان و اعتراف گیری های تلویزیونی، تا توطئه برای انشعاب در بین فعالین کارگری، پیش آمده است که جنبش کارگری توانسته است با توانمندی و آگاهانه از آنها گذر کند. بطور مثال سازماندهی اعتصابات در عین حال مبارزه علیه هرج و مرج و نامحدود کردن اعتصاب و بکار گیری اصل حق داشتن، سود جستن و اندازه نگه داشتن و یا نحوه برخورد با دولت. به همین دلیل روند رشد جنبش کارگری با همه موانع ادامه پیدا کرده است و اعتصابات اخیر در هفت تپه و فولاد اهواز،

کارگران پروژه ای شرکت نفت و پتروشیمی و شرکت های پیمانکار و دیگر واحدها و کارخانجات از جمله هپکوی اراک و معلمان و پرستاران نشان از رشد کمی و کیفی آن است. اعتراضات سال های ۹۶ و ۹۸ با اینکه به شدت توده ای بود هم نتوانست جنبش کارگری را به دنباله روی از آن بکشد و اصل سازماندهی در درون جنبش طبقه کارگر به مثابه ستون فقرات جنبش آزادیخواهی و عدالت طلبی اجتماعی، کماکان در دستور کار فعالین کارگری است. و در عین حال حضور دائمی اعتصابات و تظاهرات کارگران در جامعه به اعتلای جنبش توده ای کمک های شایانی کرد.

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه / چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند! روشن است که منظور حافظ از ملت و افسانه آن معنایی نبوده که ما امروزه بدانها میدهیم کشتن دو جوان کرد به دست چاقوکشان و پان ترکیست های طرفداران رژیم جمهوری اسلامی این تداعی را موجب می شود که نظام سرمایه داری حاکم در ایران در آخرین تلاش هایش برای نجات از سقوط در پی دامن زدن به اختلافات قومی و نفاق افکنی میان کرد و ترک است. هر زمان و هر جا که بحران نظام سرمایه داری گسترده می شود آنجا و آن زمان گرایش های راست فاشیستی دُم بلند می کند و متاسفانه بر اثر نبود تشکلات آگاه و معتبر در میان مردم،

۱- بحران ساختاری اقتصاد: وضعیت سخت اقتصادی برای کارگران و زحمت کشان و مردم صفحه ۲

کارگران چاره های جز انقلاب ندارند

ساختارهای قدرت در رژیم اسلامی

"ما کارگران چاره های جز انقلاب نداریم" شاهرخ زمانی شاهرخ زمانی از بنیان گزاران جنبش نوین کارگری برای ایجاد تشکلات مستقل در شهر یور نودوچار به دست دژخیمان رژیم سرمایه داری اسلامی ایران در زندان به قتل رسید. مرتجعان حاکم از همان آغاز سلطه، سیاست حذف فیزیکی مخالفان را پیشه خود کردند و اکنون ابراهیم رئیسی را در وفاداریش به این اصل جنایتکارانه پاداش میدهند و به مقام ریاست جمهوری اسلامی می گمارند.

چه حماسه ای برپا کردند؛ جوانان کارگر فریاد شان بلند بود و شاهرخ را معلم خود می خواندند و وفادار به او فریاد می زدند "شاهرخ معلم ماست - راه شاهرخ راه ماست" شش سال از قتل شاهرخ زمانی در زندان بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی می گذرد اما راه او همچنان ادامه دارد و آموزش های شاهرخ زمانی توسط کارگران، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان به عمل در می آید.

به نظر می رسد تیتراژ این مقاله بایستی این چنین باشد نقش رژیم جمهوری اسلامی در برنامه های خامنه ای. در واقع رژیم جمهوری اسلامی رژیمی بشدت توتالیتر با ساختار حکومت مطلقه ای است که نقش فرد با کل یک رژیم در ساختارهای قدرت برابر و یا حتی بیشتر است. ساختارهای حکومت های مطلقه با محور قدرت مطلقه مذهبی تحت عنوان ولایت فقیه شکل گرفته است. و سه قوه تعریف شده در قانون اساسی تحت قوانین مذهبی و تحت رهبری ولایت فقیه تعریف شده است. بصورت خلاصه خامنه ای مانند همه دیکتاتورهای تاریخ دولت را ابزار دست خود برای اجرای سیاست هایش می بیند.

آموزش های اساسی او کدامند؟ یکم ایستادگی تا آخر در برابر دشمن و بدور از هرگونه خیال واهی نسبت به رژیم سرمایه داری، تواما با مبارزه علیه مبارزه علیه ارتجاع داخلی را امپریالیسم شریک جهانی سرمایه جلو بردن صفحه ۳



اوضاع کنونی و ... بقیه از صفحه ۱

فرو دست اجتماعی، به زیر خط فقر راندن هر چه بیشتری از توده‌های زحمتکش و خالی کردن سفره‌های آنان، گرانی روزافزون کالاهای اولیه، عدم مدیریت مبارزه با کرونا و آلودگی بیشتری از مردم و بالا رفتن آمار درگذشتگان ناشی از آن. گران شدن مواد اولیه زندگی و رشد بیکاری که یکی از پیامدهای آن اعتصابات اخیر کارگران پروژه ای نفت و پتروشیمی و گسترش آن به بیش از ۱۱۰ کارگاه و کارخانه‌های پیمانکاری و حمایت بخش‌های دیگر طبقه در سطحی بسیار وسیع تر و علنی شدن تقابلات طبقاتی با درخواست‌های روشن صنفی و اجتماعی

۲ - بحران سیاسی که از گذشته ادامه داشته ولی در انتخابات ریاست جمهوری و پشت کردن مردم به رژیم و انتخاباتش بصورت علنی و انفراد هرچه بیشتر کل رژیم در بین حتی اقشار متوهم اجتماعی سرباز کرد. روشن شدن همه دروغگویی‌های رژیم همراه بحران مدیریت آب و منابع طبیعی در استان‌های مرزی و تحقیر خلق‌های ساکن ایران بصورت گوناگون که اینبار با اعتراضات کشاورزان اصفهانی به خوزستان و دیگر شهرهای این استان و نیز حمایت دیگر شهرهای ایران از خواست‌های محقانه مردم خوزستان و باز شدن بغض ۴۰ سال جنایت و خیانت رژیم به منافع مردم به دهها شهر دیگر ایران کشیده شده است. به قدرت رساندن یکی از جلالان رژیم و یک دست کردن سه نهاد اصلی قدرت تحت رهبری خامنه‌ای.

تا به حال رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی خود را در پشت مقولاتی مانند اسلام، ایرانیت، اصلاح طلبی، دفاع از مستضعفین، تحریم‌های اقتصادی خارجی، توطئه‌های خارجی و ... پنهان کرده است. نتیجه آن همه دستگیری، شکنجه و سرکوب اما با وجود انفراد بیشتر توده‌ای، جمهوری اسلامی از این تلاطمات اجتماعی گذر کرده است. ولی این بار جنبش کارگری و جنبش توده‌ای هر دو در حال پیشروی هستند. در این پیشروی نکات اساسا مثبت زیادی وجود دارد. در عین حال بایستی مواظب خطرات آن نیز بود.

اعتراضات و اعتصابات با گستردگی و فراگیری آن به بیش از ۲۰ شهرهای بزرگ و متوسط ایران، روحیه انقلابی را تا حد زیادی بالا برده است و همه از تحول و تغییر حتمی و فوری صحبت

می‌کنند. بر طبق خبرها ناشی از سرکوب شدید نظامی در بعضی مناطق درگیری‌های نظامی رویداده است. تعداد زیادی دستگیر و کشته شده‌اند. برخی‌ها از اعتلای انقلابی صحبت می‌کنند و گروههایی از سرنگونی رژیم تا اعتراضات مدنی، تعدادی به اصلاح طلبان درون حکومتی امید بسته‌اند. بطور خلاصه باید گفت که هم در رهبری جمهوری اسلامی و هم در رهبری اپوزیسیون بورژوازی نظرات گوناگونی وجود دارد. جناح‌هایی در رژیم خواهان سرکوب شدید و برخی دیگر خواهان جلوگیری از تشدید اعتراضات به شیوه‌های دیگر هستند. آنچه که روشن است هنوز یک آلترناتیو سوسیالیستی بر جنبش کنونی در ایران تحکیم نشده است و اعتراضات کنونی بویژه در جنبش کارگری و وجود تشکلات مستقل آنچنان توانمند نیستند که بتوانند مهر خود را بر جنبش عمومی کنونی بکوبند. در نتیجه جنبش کنونی بدون حضور پر قدرت جنبش کارگری در آن می‌تواند به نردبان ترقی جناح‌های دیگر بورژوازی ایران بیانجامد. این وضعیت شکننده می‌تواند اشکالات زیر را در جنبش کارگری و مترقی بوجود بیاورد

۱ - علنی شدن کادرهای سازمانده ۲ - فعال شدن جنبش توده‌ای بدون رهبری سیاسی و تشکیلاتی رادیکال و دنبال روی جنبش کارگری از آن ۳ - دست برداشتن از اصول و برنامه انقلابی و دنباله روی از شرایط پیش آمده و عدم توجه به تجربیات تاریخ چند دهه گذشته. ۴ - انفعال و سرخوردگی از کار منظم و دقیق و گرایش به کار صرفا کف خیابان و عملی و عدم توجه به هماهنگی کار علنی و مخفی.

در صورتیکه ما دچار دنباله روی از اوضاع نشویم و جنبش کارگری با دید طولانی به مفهوم کار سازماندهی و فکری در عین مبارزات در کف خیابان‌ها برای درخواست‌های خود به جلو حرکت کند و نیز جنبش کمونیستی بتواند خود را به مثابه اصلی‌ترین گرایش فکری تحکیم کند، آنوقت اکثر روش‌های مبارزاتی برای کسب قدرت سیاسی با آمادگی کافی به نفع تغییرات پایه‌ای و سرنگونی رژیم سرمایه‌داری خواهد بود. در غیر این صورت تجربیات سال‌های ۵۶ و ۵۷ در یک شکست دیگر می‌تواند تکرار شود. تکرار تاریخ در عین خونبار بودنش مضمحک خواهد.

تلاطمات طبقاتی موج وار در حال تکرار شدن و هر بار در سطح موج‌هایی بلندتر و با دامنه پهن‌تری در جامعه است. تعداد

اعتصابات در هر دور جدید بزرگتر و گسترده تر می‌شود. تعداد اعتراضات و اعتصابات و طولانی‌تر شدن و پیوستن بخش‌های بیشتری به هم، سازمان‌های کمونیستی متعلق به این جنبش طبقاتی را بر سر دوراهی وحدت و یا براه خود رفتن قرار داده است. فعالین کارگری بصورت دائم انتقاد خود را به پراکندگی سازمان‌های جنبش کمونیستی - کارگری نشان داده‌اند. آیا ما قادر خواهیم بود که از هم بیاموزیم و وحدت جنبش کمونیستی را تحقق بخشیم و یا خود را صاحب تمامی دست آوردهای جنبش کارگری - کمونیستی دانسته و شکست‌ها و عدم موفقیت‌های آنرا به حساب دیگران بگذاریم؟ آیا جنبش کارگری و فعالین کارگری قادر خواهند بود با سبک کار درست تفاوت‌های فکری و تاکتیکی یکدیگر را بپذیرند و امید کارگرانی که در مبارزه به آنها گره زده شده، برآورده کنند؟

هیچ انقلاب کارگری نتوانسته است که تمامی جنبش کارگری را متحد کند زیرا این امر در اعتلای شرایط انقلابی اتفاق می‌افتد. در بین طبقه کارگر هم سه بخش پیشرو، میانی و عقب مانده وجود دارد. انقلاب کارگری اساسا با رهبری پیشروان و همراه بخش‌های دیگر شکل می‌گیرد. امروز در بخش‌هایی از طبقه کارگر پیشروانی توانا وجود دارد دارند که توانسته‌اند بخش‌های میانی و حتی عقب مانده را متشکل کنند. اما این هنوز تا متشکل کردن تمامی پیشروان طبقه کارگر فاصله دارد. وحدت سازمان‌های جنبش کمونیستی و تشکیل حزب کمونیست روند بالا را تسریع خواهد کرد و رهبری طبقه کارگر را برای سرنگونی رژیم سرمایه‌داری و برپایی سوسیالیسم تأمین می‌نماید.

تاریخ مبارزات کارگری در ایران همواره با سرکوب و شکنجه و زندان همراه بوده است. از زمان شکل گیری اولین هسته‌های کمونیستی و تشکلات مستقل کارگری از زمان مشروطیت تا به امروز هیچ دولتی در ایران روی کار نیامده است که ضد کمونیست نبوده باشد. تنها دکتر مصدق مواضع دو پهلوئی اتخاذ می‌کرد و او هم بسیار کم در قدرت بود. رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی هر دو شدیداً ضد کمونیست بوده و هستند و اجازه آزادانه تشکلات کارگری و کمونیستی را نداده و نمی‌دهند. ویژگی مبارزه طبقه کارگر در ایران نه در مبارزه‌اش علیه دولت سرمایه‌داری سرکوبگر بلکه علیه یک رژیم بورژوا مذهبی پیرامونی است.



حزب رنجبران از زمان بوجود آمدنش با تلاش برای متحد کردن طبقه کارگر دست به ایجاد کنفدراسیون کارگری زد و سعی کرد که به این روند کمک کند ولی اشتباهات سیاسی - ایدئولوژیک اجازه موفقیت در این روند را نداد. این خطاها بعداً در کنگره‌های دیگر حزب مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

بطور واقعی چشم امید تمام جنبش‌های اعتراضی و مترقی اجتماعی به جنبش کارگری دوخته است. آیا کمونیست‌ها با پیوندشان با طبقه کارگر و متحد شدن فعالین کارگری می‌توانند این انتظار جنبش آزادیخواهی و عدالت‌طلبی را برآورده کنند. این وظیفه‌ای که در برابر ماست. جواب آینده در دست‌های طبقه کارگر است: سوسیالیسم و نه به بربریت سرمایه‌داری.

ع.ع

جنگ هفتاد و دو ملت.... بقیه از صفحه ۱

عده‌ای را به دنبال خود می‌کشاند.

می‌گویند نفاق انداز و حکومت کن از گفته‌های وینستون چرچیل سیاستمدار نژاد پرست انگلیس است که از جمع‌بندی عملکرد امپراطوری بریتانیا توسط رهبران کلونیالیست‌ها بر خاسته است. نیمی از جمعیت قاره آفریقا را شکار کردند، دست بسته به کشتی نشانند و بعنوان برده در آمریکا فروختند، مردم بومی را در استرالیا، آمریکا و کانادا قتل عام کردند. جنگ‌های قومی و مذهبی را دامن زدند تا نظام سرمایه‌داری جهانی را ابدیت بخشند. رژیم جمهوری اسلامی دنباله‌های از همین نظام جهانی است که در این چهار دهه در امتداد و ادامه نظام قبلی نه تنها در اقتصاد بلکه در سیاست هم نعل به نعل دنباله رو همان روش نفاق انداز و حکومت کن بوده است. حادثه نقده را تنها می‌توان در این متن توضیح داد.

امروز رژیم سرمایه‌داری حاکم بر ایران فرومانده و درمانده است. دارودسته حاکم، انحصار طلبی را با انتصاب رئیسی که از همان آغاز داشت به حد اکثر رسانده است؛ خودی و نا خودی، شیعه و سنی، دیندار و بی دین، ژن خوب و بد و ده‌ها سیاست‌های دیگر نفاق افکنانه از ماهیت نظامش بر می‌خیزد که امروز با شدتی بیشتر دنبال می‌شود. اقتصاد نئولیبرالیستی چهل ساله آمریکایی در

رژیم جمهوری اسلامی به معجونی تبدیل شده است که امروز هشتاد میلیون مردم این سرزمین در فقر و فلاکت بسر می‌برند و شیرازه زندگی با گسترش فقر و بیکاری و عدم توانایی نظام در مبارزه با ویروس کرونا از هم پاشیده است و سیاست نفاق انداز و حکومت کن با مشت آهنین پاسدارانش دامن انداخته است. در خوزستان تلاش می‌کنند میان عرب و فارس اختلاف اندازند، در بلوچستان شیعه و سنی را به جان هم می‌اندازند و در نقده ناسیونالیسم تنگ نظرانه گرد و تُرک را دامن می‌زنند.

در چنین اوضاعی است که آلتزاتیو کارگری بعنوان تنها نیروی اجتماعی نجات دهنده می‌تواند در مقابل نظام موجود بایستد، بجای نفاق و آشوبگری وحدت و همبستگی را تقویت کند. طبقه کارگر ایران و نیروهای آگاه اجتماعی به درستی و با توانایی به میدان آمده و آلتزاتیو خود را برای بیرون آمدن از بحران ساختاری کنونی پیش نهاده‌اند. ایران سرزمین ملل مختلف با تاریخی طولانی است. مردمانش قرن‌ها در کنار هم زندگی کرده‌اند؛ از زبان و فرهنگ و عادات خود برخوردار بوده‌اند و مشترکاً در برابر تجاوزات نیروهای خارجی مقاومت کرده‌اند. تنها حاکمان بوده‌اند که برای ادامه سلطه خود دست به نفاق افکنی تحت عنوان تُرک و فارس و عرب و گرد زده‌اند. امروز برای جلوگیری از ایجاد تشکیلات سراسری کارگران و دیگر گرایش‌های وحدت طلبانه بدور از نژاد، ملیت، جنسیت؛ دامنه سیاست انحصار طلبی و نفاق اندازی را گسترده تر کرده‌اند.

آلتزاتیو کارگری در ایران امروز با حرکت از این واقعیت روی خط مشی سیاسی طبقاتی پافشاری دارد و برای ایجاد وسیع‌ترین اتحاد میان کلیه نیروهای ستمدیده و استثمار شده در براندازی نظام سلطه‌گر انحصارگر حاکم مبارزه می‌کند. برای تحقق این وظیفه تاریخی همچنان بر اصل حق تعیین ملل در تعیین سرنوشت خود که از ماهیت جهانی پرولتاریایی نشأت می‌گیرد پافشاری دارد. حزب رنجبران ایران حادثه نقده که توسط نیروهای ارتجاعی و شبه فاشیست خلق شده است را فرآورده حکومت اسلامی می‌داند و آنرا محکوم می‌کند. حزب رنجبران ایران در غم بازماندگان جوانان گرد محمد علیزاده و فردین ابراهیمی خود را صمیمانه شریک میدانند.

سرنگون باد نظام ستمگر و استثمارگر

سرمایه‌داری اسلامی

پیروز باد آلتزاتیو کارگری در راه بسیج و متشکل کردن وسیع‌ترین نیروهای ستمدیدگان و استثمار شونده‌ها
سوسیالیسم تنها راه نجات است
حزب رنجبران ایران بیستم مرداد ۱۴۰۰

کارگران چاره‌ای جز.... بقیه از صفحه ۱

دوم

کارگران را نیروی عمده و هدایت کننده در مبارزه انقلابی دوران کنونی دانستن برای انجام این وظیفه تاریخی پرولتاریا، وحدت و تشکیلات در پیش گرفتن، خود نمونه بودن هم در ایجاد تشکل مستقل صنف خود و هم با اتکا به این تشکل برای ایجاد تشکل‌های مستقل دیگر کارگری و پیوند آنها بهم و سراسری کردنشان مبارزه‌ای همه جانبه کردن

سوم

موضع استوار طبقاتی داشتن را با جهانی‌بینی و علم رهایی پرولتاریایی پیشه خود کردن، سبک کار تئوری به عمل و از عمل به تئوری را در تلفیق کمونیسم علمی به شرایط مشخص بکاربردن، درستی تاکتیک و سیاست انقلابی را با خواست توده‌ها سنجیدن و به رسالت تاریخی طبقه کارگر در براندازی سرمایه و جایگزینی‌اش با سوسیالیسم ایمان داشتن، و به راه سخت و پر پیچ و خم استقرار سوسیالیسم و پیروزی نهایی کمونیسم آگاه بودن. در نتیجه تاکید کردن طبقه کارگر بدون حزب پیشرو انقلابی خود نمی‌تواند انقلاب کند کارگران احتیاج به حزبی انقلابی پیشرو دارند که بتواند فراز و نشیب‌های این راهپیمایی طولانی را چون سکانداری ماهر و توانا استوار طی کنند.

چهارم

ایجاد آلتزاتیو کارگری برای انقلاب کردن را از ضروریات مبرم و توأم با پیشرفت دو وظیفه دیگر دانستن. او برای ایجاد جبهه‌ای گسترده از کلیه نیروهای طبقاتی استثمار شونده و همینطور ستمدیده زیر پرچم انقلابی آلتزاتیو کارگری که استخوان‌بندی آنرا تشکلهای کارگری تشکیل میدهند مبارزه می‌کند. در زندان همیشه پیش‌تاز در ایجاد چنین جبهه متحدی با دیگر زندانیان سیاسی غیر کارگری بود

پنجم

او آگاه به مبارزه تاریخی پرولتاریای جهانی بدور از هرگونه نفی گرائی خرده بورژوازی روی بکاربرد اصول کمونیسم علمی پافشاری میکرد و در تمام نوشته‌های خود مبارزه علیه رویزیونیسم و اپورتونیسم در درون جنبش کارگری ایران را از



یعنی ولایت فقیه طلب می کنند. این تضاد، کار را به آنجا رسانده است که خامنه‌ای برای فرار از این کشاکش دائمی، انتخابات پارلمانی را در برابر انتخابات عمومی پیشنهاد داد.

ساختارهای قدرت دولتی در ایران تحت حاکمیت سرمایه‌داری مذهبی در ایران خود نشان از ناتوانی در تصمیم‌گیریهای کارشناسانه و مدیریت علمی داشته و قادر نیست که جامعه معضلات و مشکلات جامعه را در یک تعادل اجتماعی حل کند اعتراضات در خوزستان نسبت به آب و اعتراضات جنبش کارگری نسبت به اجحافات بی درو پیکر، دزدی‌های کلان از صندوق بازنشستگان و دیگر صندوق‌های مالی و حتی بیمه‌های اجتماعی، عدم مدیریت اقتصاد حتی سرمایه‌داری همه و همه، سرمایه‌داری ایران را به بحرانی عمیق و همه جانبه رانده است که با سرمایه‌داری کنونی بین‌المللی همخوانی دارد.

تمرکز ساختار کنونی دولت مبتنی است بر بیرون کشیدن بیشترین سود از طبقه کارگر و زحمت‌کشان و تامین سود از طریق مختلف از جمله تجارت در سطح ملی و بین‌المللی و فروش منابع طبیعی و کارخانجات به بخش خصوصی، آزاد سازی نیروی کار و عدم تامین کار و تحصیل مجانی و همگانی، ویرانی محیط زیست به قیمت سود بیشتر و....

مدتی است که بعد از نمایش انتخاباتی آخرین دوره ریاست جمهوری و "انتخاب" رئیسی به ریاست جمهوری، برخی از اصلاح طلبان حکومتی بعد از التماس‌ها و زاری به درگاه ولایت فقیه از درگاه قدرت رانده شدند، ناگهان به صفوف اپوزسیون نرم ضد قدرت پیوسته‌اند و سعی دارند که رژیم جمهوری اسلامی را با روش‌های دیگر تطهیر کرده و به چشم مردم به تنگ آمده از کل رژیم جمهوری اسلامی خاک بپاشند. اساسی‌ترین نظرات آنها به قرار زیر است.

- ۱- انتقاد ظاهرا سخت و شدید از مسئولین بعثت سیاست‌های نادرست‌شان
- ۲- حمله به مخالفین انقلابی و بویژه نیروهای چپ، تحت عنوان "کمونیست شکست خورده" و "انقلاب یعنی ویرانی و تجزیه ایران".
- ۳- برافراشتن پرچم تغییر قانون اساسی و برداشتن سیستم ولایت فقیه از قانون اساسی
- ۴- دوری و پرهیز از خشونت و گفتگوهای سازنده
- ۵- تعامل، دموکراسی و حقوق بشر
- ۶- تعامل با جهان بویژه آمریکا و غرب

ساختارهای قدرت.... بقیه از صفحه ۱

بر طبق قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی، شورای نگهبان ولایت فقیه را انتخاب می کند و اعضای شورای نگهبان توسط ولایت فقیه تعیین می شوند. این نوع انتخاب و تعیین دوجانبه یعنی تضمین قدرت در بین شورای نگهبان و فرد ولایت فقیه. با استناد به این روش خامنه‌ای بعد از خمینی بیش از سه دهه است که بعنوان ولایت مطلقه فقیه در مسند بالاترین قدرت دولتی در ایران تکیه زده و همانند پادشاهان گذشته حتی سیاست‌های بسیار جانبی را هم کنترل کرده و بدون نظر خواهی و اجازه او نمی تواند عملی شود. با تمام این احوال جمهوری اسلامی مانند همه دولت‌های طبقاتی از مشخصات یک دولت سرمایه‌داری کشورهای پیرامونی سرمایه‌داری برخوردار است. در این دولت منافع بورژوازی ایران تامین و سیاست‌های هژمونی طلبانه منطقه‌ای تحت این ساختار و رهبری با شدت جلو می رود. این دولت بشدت ضد کمونیست و ضد کارگران و زحمتکشانش و برای تامین منافع سرمایه‌داری خصوصی و دولتی در ایران به هر جنایتی دست زده و می زند. انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی مانند هر رژیم دیگر بورژوازی بصورت دوره‌ای در ارگان‌های مختلف انجام می شود ولی هیچ فردی در این انتخابات جدا از دایره قدرت نیست و قدرت در یک دایره مافیایی در حال چرخش است. نهاد اصلی قدرت و تصمیم‌گیری در نهادهای جداگانه و یا افراد حول ولایت فقیه بوده و رئیس جمهورهای مختلفی که تا به حال در این پست خدمت کرده اند در نهایت با خامنه‌ای دچار تضاد شده اند. این تضادها که ناشی از سهم‌خواهی در تقسیم قدرت است.؛ هیچگاه در ساختارهای این رژیم به پایان نخواهد رسید. در واقع حلقه قدرت با انفراد بیشتر رژیم بین توده‌ها، کوچکتر و تنگتر و تضادهای درونی‌اش شدت می گیرد. حذف و یا انتقاد و اعتراض اکثر رئیس جمهورهای رژیم اسلامی از خامنه‌ای بصورت مستقیم و غیر مستقیم بازتابی از تقسیم نا برابر قدرت است. بصورت کاملا وارونه کسانی که در انتخابات (در حقیقت انتصابات) ریاست جمهوری پیروز می شوند، خود را نماینده منتخبین خود دانسته و سهم حداقل مساوی با نماینده خدا و اسلام

وظایف پیشرو کارگری می دانست.

آثار مکتوب باقی مانده از شاهرخ زمانی گواهی است معتبر از درک عمیقش از تئوری کمونیسم علمی. شاهرخ زمانی یک کارگر فعال سازمانده، رهبر شناخته شده تشکلهای مستقل، زندانی سیاسی به چنان توانایی در تلفیق کمونیسم علمی به شرایط جامعه ایران می رسد که قادر می شود در اساسی‌ترین مسایل دوران کنونی ایران برنامه‌ای را که هنوز معتبر است ارائه دهد:

ایجاد تشکلهای مستقل کارگری علنی و در شرایط دیکتاتوری ولایت فقیه و سراسری کردن آنها

اتحادی از کلیه نیروهای ستمدیده و استثمار شده در زیر چتر آلترناتیو کارگری برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری کنونی و پیروزی انقلاب سوسیالیستی

ایجاد حزب واحد کمونیستی از تشکلهای موجود با نفی دیالکتیکی سکت‌ها در درون جنبش کارگری کنونی و تلاش برای جزوی جدا ناپذیر از جنبش کارگری شدن.

ما باید در این سالگرد گرامی داشت شاهرخ زمانی جنبش کارگری ایران همچنان به آموزش خود ادامه دهیم و برای وظایفی که شاهرخ مشخص کرده همه جانبه اقدام فوری و عملی کنیم.

حزب رنجبران ایران همچنان وفادار به این آموزش‌ها برای وحدت جنبش کمونیستی برای ایجاد حزب واحد انقلابی پیشرو طبقه کارگر، برای بسط و گسترش جنبش مستقل کارگری و برای اتحادی از کلیه تشکلهای توده‌ای و اجتماعی از استثمار شدگان و ستمدیدگان بعنوان آلترناتیو کارگری در برابر آلترناتیوهای بورژوازی مبارزه می کند

یاد شاهرخ زمانی گرامی باد

حزب رنجبران ایران

شهریور هزار و چهارصد

به تارنماها لینترنتر
حزب رنجبران ایران
مراجعة کنید

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

یاد شاهرخ زمانی گرامی باد



واکسیناسیون رایگان و همگانی

کرونا و درخواست رسیدگی و تامین واکسیناسیون برای همه

دولت و برخی نهادهای مذهبی که از دولت پول‌های هنگفت دریافت می‌کنند بدون توجه به درخواست‌های مردم مراسم محرم و عاشورا تاسوعا را با تعداد زیادی مردم در برخی مساجد برگزار کردند. این مراسم در شرایط بسته شدن بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک ایران بخاطر شیوع کرونا و ظاهراً رسیدن به "پیک پنجم" و همزمان است با تعداد جانباختگان کرونا به مرز ۷۰۰ نفر در روز. دولت روحانی با وعده‌های سر خرمن و سر دواندن مردم برای تامین واکسن رایگان و همگانی جایش را به دولت رئیسی داد. ولی اکثر وعده‌های دولت روحانی به مرحله انجام نرسید و دورویی و دروغ‌گویی حاکمان اسلامی بازهم بر زخم‌های مردمی که هر روزه آشنایان و اقوام و بستگان خود را ناشی از ویروس کرونا از دست می‌دهند، نمک پاشید. خامنه‌ای به عنوان پر قدرت‌ترین و راس رژیم اسلامی ورود برخی واکسن‌ها از جمله واکسن فایزر را ممنوع کرد و قول داد که واکسن ایرانی برکت بزودی آماده خواهد شد. اما زمانی که واکسن ایرانی آماده نشد از بخش خصوصی و شرکت‌های دارویی درخواست ورود واکسن کرونا کرد. این درخواست وقتی صورت گرفت که واکسن در سطح جهانی کمیاب شده بود و کشورهای ثروتمند جهان مقادیر بالایی از آنرا ذخیره کرده بودند. کسانی که در این مدت به سیاست‌ها و نحوه مدیریت جمهوری اسلامی در مقابله با ویروس کرونا و پیشگیری از شیوع بیشتر آن اعتراض کرده بودند، از کار اخراج و یا زندان شدند. واکسن‌هایی که قرار بود مجانی و همگانی باشد سر از بازار آزاد در آوردند و برخی واکسن‌ها تا ۶ میلیون تومان هم به فروش رفت. اقشار و طبقات مرفه‌تر جامعه برای فرار از هرج و مرج موجود با سفر به ارمنستان و ترکیه و دیگر کشورها خود را واکسینه کردند و طبقات فقیر همچنان زیر بار کمر شکن قیمت داروها و واکسن در بازار آزاد خم شده‌اند. بیمارستان‌ها پر از بیماران کرونایی است. و حتی تخت خواب کافی برای بیماران وجود ندارد و بسیاری از بیماران در راهروی بیمارستان شب را به صبح می‌رسانند. کادر درمانی زیر فشار خرد کننده‌ای

سیستم توتالیتر تا حد دیکتاتوری فردی و تنگتر شدن حلقه قدرت و نظر دوم اصلاح طلبان درون و بیرون حکومتی که معتقد است، جدا از عدم توانایی خامنه‌ای در اداره جامعه ادامه حیات بورژوازی در شکل دیکتاتوری فردی امکان ناپذیر بوده و جامعه با خطرات انقلاب اجتماعی و در درجه دوم دخالت خارجی روبرو شده است.

نظام سرمایه‌داری دوران بحران‌های ساختاری دوره‌ای است. در بحران‌هایی که بوجود می‌آید بورژوازی راه حل‌های مختلفی برای برون رفت از بحران‌هایش را انتخاب می‌کند. از جنگ‌های بزرگ جهانی مانند جنگ اول و دوم جهانی، رشد و گسترش سرمایه‌های دولتی و یا خصوصی بر اساس شرایط و یا ایجاد دولت‌های رفاه و یا فاشیستی و.... آنچه که تاکنون بعد از فروپاشی شوروی اتفاق افتاده است، گرایش سرمایه‌داری به فاشیسم به لحاظ سیاسی و نئولیبرالیسم اقتصادی است. این گرایش هر روز بیش از گذشته در حال عمومی شدن است. یکی از دلایل قدرت‌گیری گرایش فاشیسم در سرمایه‌داری عدم حضور متحد طبقه کارگر در سطح جهانی و رقابت افسار گسیخته سرمایه‌داری در سطح جهانی است. تمامی جنبش‌های دمکراتیک عظیم توده‌ای که در کشورهای دیگر هر روزه در کف خیابان‌های در جریان است جوابگوی راه نجات از نظام سرمایه‌داری و امپریالیسم نیست. دوران ما، دوران امپریالیسم و انقلابات پرولتری است و فقط طبقه کارگر چه در سطح کشوری و چه در سطح جهانی است که می‌تواند با پرچم سوسیالیسم نه تنها به دیکتاتوری‌های فردی و فاشیستی پایان دهد بلکه قادر خواهد بود دنیای نوینی بوجود بیاورد که استثمار انسان از انسان از آن رخت خواهد بست. تحولات در ایران هم ناشی از این قوانین و رویدادهای جهانی جمهوری اسلامی را به کنار خواهد زد و در این کنار زدن چهره فریبکار اصول‌گرایان و اصلاح طلبان بیشتر عیان خواهد شد. این تغییرات تحولات جهانی زمانی به جنایات و فریبکاری سرمایه‌داری پایان خواهد داد که آلترناتیو سوسیالیستی به یک آلترناتیو عینی و اجتماعی تبدیل شود

مهران پیامی

در تمامی نظراتی که اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی دارند؛ چند نکته مشترک آنها را به هم پیوند می‌زند. اولین نکته مشترک آنها که سلطنت طلبان را هم در بر می‌گیرد، اعتراضات مدنی و دوری از خشونت. اما اینکه دوری از خشونت توسط کی، موضوعی است که آنها انگشت اشاره را به طرف جنبش اعتراضی و مردم نشانه می‌روند و آگاهانه فراموش می‌کنند. در طی ۴ دهه این رژیم جمهوری اسلامی بوده است که خشونت را علیه مخالفان و کارگران و فرودستان جامعه بکار گرفته و کمترین اعتراض و مخالفت را برنتابیده است. اصلاح طلبان خوب می‌دانند که تغییرات پایه‌ای در مناسبات اجتماعی فقط از طریق انقلاب به نفع مردم استثمار شونده و ستمدیده امکان پذیر است و انقلاب برای پیروزی دست به قهر انقلابی جهت سرنگونی طبقات حاکم سرمایه‌دار خواهد زد. در نتیجه برای جلوگیری از تغییرات پایه مناسبات اجتماعی به نفع زحمت‌کشان بایستی افکار رفرمیستی و ترس از خشونتی که هر روزه علیه‌شان اعمال می‌شود را در ذهن طبقات فرودست اجتماعی نشانند. "قهر مامای جامعه نوین است"، این گفته مارکس که آموزشی برای طبقات فرودست در جهت انقلاب اجتماعی مورد نفرت عظیم بورژوازی است. این نفرت هم فقط مخصوص اصلاح طلبان و سلطنت طلبان در ایران نیست، سوسیال دمکراسی اروپا و تمامی امپریالیست‌های جهان که بیشترین خشونت و جنایت را علیه کارگران و زحمت‌کشان و انقلابیون کشورها بکار گرفته‌اند. بطور دائم دیگران را به دمکراسی و حقوق بشر فرا می‌خوانند. این داستان کهنه شده‌ای است که دیگر برای تلاش جهانی در جهت گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم رنگ باخته است. طرح آشتی طبقاتی و گذار به جامعه‌ای بهتر از طریق تعامل، دوستی، گفتمان‌های مشارکتی، حفظ وضعیت موجود، تغییر در قانون اساسی، کمک از نیروهای سازمان ملل برای برگزاری انتخابات دمکراتیک، مجموعه‌ای از سیاست‌های پیشگیرانه بورژوازی ایران در جهت تغییر مسیر اتاق فکر کل حکومت جمهوری اسلامی در جهت گذار از دیکتاتوری مطلقه به دیکتاتوری جمع‌تر و سیستماتیک تری در کنترل و اداره جامعه است. در حقیقت دو نظر در بورژوازی ایران مطرح است: نظر اول که خامنه‌ای نماینده آن است بر ادامه



جوابگو باشند. مردم ما همانطور که قاتلین فرزندان خود را نه می بخشند و نه فراموش می کنند با رهبران فاسدی که وضعیت اسفناک کنونی را در جامعه بوجود آورده اند به همان شیوه برخورد خواهند کرد. در خواست واکسیناسیون جمعی و رایگان یک خواست محقانه است بایستی از آن حمایت کرد.

ع.غ

افغانستان و آموزش ما

هر چقدر شکست مفتضحانه امپریالیسم آمریکا در ویتنام و فرار از فرودگاه سایگون برای حاکمان کاخ سفید غم انگیز و مایه آبروریزی بود، فرار شتابزده اشان از کابل باعث خنده جهانیان شد. در سایگون با پرچم دروغین دموکراسی بدست یک نیروی انقلابی توده ای به رهبری حزب کمونیست شکست خوردند و مجبور به فرار شدند. و در کابل به دست نیروی ارتجاعی طالبان که خود بنا به اعتراف هیلاری کلینتون وزیر اسبق خارجه آمریکا برای مبارزه با اتحاد شوروی ساخته بودند، تا این حد سقوط کردند. چگونه می شود این همه خواری و درماندگی را برای حکومتی به عظمت ابر قدرت آمریکا توضیح داد؟ چگونه ابر قدرتی چون آمریکا دچار این همه اشتباه و شکست می شود و بازهم همان اشتباه را تکرار می کند؟ به چاه می افتد، جان میدهد و با خسارات زیاد خود را بیرون می کشد و بازهم به چاه دیگر می افتد؟ این روزها کار به جایی رسیده که وزیر امور خارجه انگلیس به حال اسفناک پیروان افغانستانی آمریکا که در افغانستان جا ماندند و چند نفر از آنها لای چرخ هواپیمای ارتش آمریکا له شدند اشک تمساح می ریزد.

اولین آموزش شاهدی دیگر است که

امپریالیسم بیر کاغذی است

سایگون دوم بار دیگر نشان داد که نیروهای ارتجاعی جهان هر چقدر هم ظاهراً پر قدرت جلوه کنند، از بزرگترین زرادخانه مالی و سلاح برخوردار باشند، چون ماهیت سیاستشان ستمگری و تجاوزگر است در نهایت سرنوشتی جز شکست نخواهند داشت. امروز امپریالیسم آمریکا در داخل و خارج با مشکلات عدیده ای روبروست. بی شک سقوط کابل که بدست

بیمارستانها درگذشته اند و طبقات ثروتمند نه تنها دکتر بلکه وسایل بیمارستانی را جهت مداوای خود و خانواده هایشان یا خریده اند و یا به خانه برده اند. ویروس کرونا چهره واقعی نابرابری اجتماعی و فاصله فقر و ثروت را هر چه بیشتر آشکار کرد. حتی در آلوده کردن افراد هم این ویروس، طبقات فقیر را که قادر به فاصله اجتماعی و دنباله روی از قوانین پیشگیرانه بهداشتی نیستند بیشتر آلوده کرده است. آنها مجبور هستند بصورتی طولانی مدت در محیطهای کاملاً شلوغ بدون وسایل بهداشتی کار کنند. از مواد غذایی کمتر و کم کیفیت و ارزانی استفاده کنند. در سفره های آنها به اندازه کافی پروتئین و ویتامین های اولیه یا وجود ندارد و یا آنقدر کم است که قادر نیست سیستم دفاعی بدن را تغذیه کند. در سفره بسیاری از طبقات فرودست اجتماعی گوشت کیلویی ۱۰۰ هزار تومان قابل خرید نیست. گوشت به یک غذای لوکس تبدیل شده است. قیمت میوه و سبزیجات که همیشه یکی از ارزان ترین مواد غذایی بوده است آنچنان سرسام آور بالا می رود که کارگران و زحمت کشان قادر به تهیه دائم آن نیستند. آنها وقتی نمی توانند شکم خانواده های خود را سیر کنند چگونه می توانند داروهای ضد کرونایی از بازار آزاد را بخرند. به همین دلیل واکسن رایگان و همگانی حق اولیه تمامی مردم است و رژیم جمهوری اسلامی حق ندارد که آنها را در بازار آزاد برای سود آوری بفروشد. تامین بهداشت حق اولیه تمامی انسانها نه تنها در ایران بلکه در همه کشورهای جهان است. اما سرمایه داری طماع و پول پرست، سرمایه داری که همه چیز را به کالا و خرید و فروش و بهره کشی تبدیل کرده است قادر نیست که حقوق اولیه مردم جهان را تامین کند. در شرایطی که بودجه یک روز نظامی جهان می تواند چندین سال بهداشت و آموزش عمومی را برای کل مردمان کره زمین تامین کند. آمار جان باختگان کرونا در کمتر از دو سال سر به میلیونها نفر می زند. نیمی از مردم جهان از غذا و آب و بهداشت و آموزش و مسکن اولیه برخوردار نیستند. سود کمپانی هایی که واکسن کرونا را تهیه کرده اند سر به میلیاردها دلار می زند. کرونا فقر را گسترش و ثروت را متمرکز تر کرده است. در ایران این روند بصورت بی رحمانه تر و شدیدتری اتفاق افتاده است.

کسانی که با دروغ، سود جویی و فریب باعث از دست رفتن جان انسان شده اند بایستی

از کار قرار دارند ولی با تمام کار شکنیها و دخالت عناصر امنیتی با احساس عمیق وجدان انسانی به کار ادامه می دهند. هر چند که رژیم اسلامی با بی مسئولیتی و بی لیاقتی به مسئله برخورد کرده است اما کادر درمانی در ایران با سخت کوشی سعی کرده است که کمبود مدیریت و امکانات را با کار خود جبران کند. آنها سربازان جدی جنگ علیه کرونا هستند. تا به حال بسیاری از پزشکان و پرستاران خود به ویروس کرونا آلوده شده و جان خود را از دست داده اند و یا ناشی از فشار کار سخت دچار ناراحتی های عصبی و جسمی شده اند. جا دارد که به این انسان وظیفه شناس درود فرستاد. مردم ما همیشه قدر و منزلت آنها را ارج می نهند و حتما در مبارزه بخاطر درخواست های محقانه شان در کنار آنها خواهند بود.

آمار افراد آلوده و نیز درگذشتگان کرونا در چند ماه اخیر بشدت بالا رفته است ولی رژیم اسلامی جان انسانها برایش مهم نیست. در خبرها آمده است که انواع و اقسام واکسن های کرونا در بازار آزاد وجود دارد. وقتی معلوم می شود که اکثر شرکت های دارویی متعلق به افراد امنیتی و یا نزدیک به حاکمیت است دلیل این بالا رفتن تعداد و قیمت در بازار آزاد روشن می شود. سودی که شرکت های دارویی از این بازار آزاد می برند، آنچنان بالاست که می تواند بودجه برخی از نهادهای دولتی و جیب های گشاد آخوندها و آقازاده ها را پر کند.

در مقایسه با مقدار دوز واکسنی که در بین مردم توزیع و تزریق شده با کشورهای دیگر دنیا سهم ایران بر اساس گفته های رسمی رسانه های دولتی تا به حال که این نوشته تهیه شده است ۱۳ در صد برای یک دوز می باشد که در مقایسه با ۶۵ تا ۸۵ در صد در کشورهای اروپایی و چین و آمریکا بسیار ناچیز است. برعکس پزشکان و پرستاران که سعی به درمان همگانی از مردم و مراجعه کنندگان به بیمارستانها و مراکز درمانی دارند و مدیریت آنها بشدت سود جویانه و طبقاتی برخورد می کنند. از بستگان مریض تقاضا می شود پیش پرداختی به بیمارستان پردازد و دارو را از بازار آزاد تهیه کند. در این زمینه دولت تعهد های خود را فراموش می کند ولی اگر کسی در بیمارستان به این مسئله اعتراض کند یا کارش را انجام نمی دهند و یا او را بیرون می اندازند. در خبرها آمده است که بسیاری از بیماران کرونایی در محوطه حیاط

واکسن کرونا باید رایگان و همگانی باشد



در حال شکل‌گیریست تقویت کنند و همراه و همسو با جنبش کارگری ایران به تقویت جبهه مشترک مترقی دو کشور یاری رسانند. آلتزناتیو کارگری با موضع گیری قاطع در برابر شونیسم ضد افغانستانی درخت دوستی کهن را باید آبیاری کنند و راه را برای یک مقاومت عظیم سراسری علیه دشمنان مشترک میان ملل و خلق‌های ستمدیده خاور میانه پایه ریزی نمایند.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و کلیه نیروهای وابسته به آن

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

پیروز باد آلتزناتیو کارگری برای ایجاد جامعه‌ای بدون ستم به زن و ستم ملی و بدون استثمار انسان از انسان

حزب رنجبران ایران

ولایت فقیه در ایران و حاد شدن تضاد درون حاکمیتی که چهار دهه است همراه و همسو باهم این وضع اسفناک را بوجود آورده‌اند چنانچه یک نیروی مسلح خارجی دست پرورده اسرائیل، عربستان و آمریکا که از قرار و طبق شواهد عملیاتی اسرائیل در ایران دارای پایه قوی نفوذی در داخل نظام هم هستند، برای کسب قدرت در تهران اقدام کند چه خواهد شد؟ با توجه به اینکه این نظام در این چهار دهه سیستماتیک کلیه تشکیلات کارگری، چپ و کمونیستی را به شدیدترین وجهی سرکوب کرده است و امروزه حتی اجازه به کارگران برای ایجاد تشکیلات مستقل خود را نمی‌دهند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ بار دیگر دست به دست شدن قدرت میان جناح‌های سرمایه‌داری و بار دیگر سرکوب نیروهای کمونیست و کارگری؟ با پیروزی طالبان در افغانستان خطر تجاوز خارجی متحد شدن جناح‌های اصلاح طلب داخلی و خارجی برای ارائه‌ی یک آلتزناتیو سرمایه‌داری و عبور از دارودسته خامنه‌ای با هدف جلوگیری از رشد جنبش کارگری بیشتر شده است. اتفاقی که در سال ۵۷ افتاد بار دیگر در شرایطی دیگر می‌تواند اتفاق افتد.

در نتیجه وظیفه سازماندهی نیروهای کارگری و جنبش‌های توده‌ای به یک وظیفه سرنوشت ساز تبدیل شده است. نبود تشکیلات مقاومت کارگری بویژه نبود تشکیلات آگاه انقلابی کمونیستی در افغانستان نشان داد که نیروهای مسلح حتی مرتجع و ضد مردمی چون طالبان چگونه می‌تواند در یک اوضاع بحرانی عمل کند و در عرض یک هفته کل کشور را تسخیر نماید

رهبران طبقه کارگر ایران، تشکلات مترقی مستقل توده‌ای، زنان و دانشجویان، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و پزشکان، نویسندگان و خبرنگاران و گردانندگان رسانه‌ها همه و همه که با آلتزناتیو کارگری بعنوان تنها راه نجات ایران امروز همراهی دارند باید رو به سازماندهی کنند؛ چاره‌ای جز متشکل شدن نیست، تنها وسیله ایست که این قدرت میلیونی توده‌ای را که مخالف سر سخت این وضع اسفناک است می‌تواند به نیروی فعال شکست ناپذیری در برابر هر گونه توطئه خارجی و دشمنان داخلی تبدیل کند. دست‌های پناهندگان افغانستانی را که این روزها زن، مرد و بچه بسوی ایران می‌آیند به گرمی باید فشرد، به آنها یاری رساند تا جنبش مقاومت در افغانستان را که

یک نیروی ارتجاعی اسلامگرا خود ساخته آمریکایی صورت گرفته است در میان مردم آمریکا و متحدانش بازتابی همه جانبه خواهد داشت و گفته رئیس جمهور بایدن " آمریکا برگشت " را پوچ و بی معنی می‌کند. آمریکایی که از دست نوکرانش چنان مفتضحانه فرار می‌کند چگونه می‌تواند به ۲۸ قدرت نظامی کشورهای عضو ناتو قدم‌های نظامی تعرضی تجاوز گرانه‌اش را دیکته کند! فرار از افغانستان نتایج دیر پای در روند افول نهایی امپراتوری آمریکایی خواهد داشت.

دومین آموزش برای اپوزیسیون ایرانی پرو آمریکا بی است

برای کسانی که دل به ترامپ و بایدن بسته بودند و هنوز هم بسته‌اند. درس بزرگی است که اپوزیسیون پرو آمریکا ایرانی، آنهایی که سال‌هاست در پی برنامه رژیم پنج یا تجاوز مستقیم ارتش آمریکا و اسرائیل به ایران هستند. باید به خود آیند و علیه دروغ رهبران‌شان که امپریالیسم آمریکا نجات دهنده است بر خیزند و برای رهایی واقعی مردم ایران از یوغ رژیم جمهوری اسلامی به جنبش عظیم میلیونی کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی بپیوندند. رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی همانند امپریالیسم آمریکا جنایات بسیار علیه مردم ایران کرده است ظاهراً خود را عریده جو و مست چون گاو وحشی و سگ هار نشان میدهد اما از درون خالی است و مردم ایران با اتکا به نیروی لایزال خود بی شک می‌توانند آنرا سرنگون کنند.

سومین آموزش برای ما، برای نیروهای مترقی ایران و افغانستان چیست ؟

سویا خنده‌دار بودن سایگون دوم، به قدرت رسیدن طالبان یک نیروی پان اسلامیست متحجر و عقب افتاده برای نیروهای کارگری و مترقی ایران و افغانستان چیست؟ این امر دارای اهمیت اساسی و استراتژیک هست بخصوص در اوضاع کنونی ایران که رشد روزانه مبارزات کارگری به عامل تعیین کننده‌ای دارد تبدیل می‌شود و اتحاد مرتجعان حاکم ایران و افغانستان و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا بار دیگر برای سرکوب انقلابی دیگر در ایران محتمل می‌شود.

پیروزی سریع و سراسری نیروهای طالبان و تسلیم کل ارتش افغانستانی ساخته و پرداخته ناتو که پس از هجده ماه مذاکره با طالبان بوقوع پیوست بزرگترین درسی است که ما باید از آن برای جنبش کارگری ایران بگیریم. با توجه به منفرد شدن هرچه بیشتر رژیم

مصاحبه با رضا شهابی... بقیه از صفحه آخر

به طور کلی، جنبش کارگری چه مسیر و چه افق‌هایی را پیگیری می‌کند؟

ایجاد شرایط کار و زندگی بهتر برای همهء زحمتکشان و حرکت در جهت برچیده شدن شکاف طبقاتی، و دستیابی به رفاه اجتماعی و آزادی واقعی و نه صوری.

سندیکاهای کارگری، امروز و در حال حاضر در ایران به دنبال چه اهدافی هستند؟ به نظر شما، آیا این اهداف، با توجه به برخوردهای حکومتی و اوضاع کشور دست‌یافتنی است؟

سندیکاهای کارگری به دنبال احقاق حقوق کارگران و برچیده شدن شکاف طبقاتی تا رسیدن به جامعه‌ای بدون استثمار و ستم می‌باشند. قطعاً با ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری در تمامی حوزه‌ها از جمله معلمان، پرستاران، زنان و سایر مزدبگیران... و به هم پیوستن آن‌ها، دست یافتنی خواهد بود، حتی با وجود برخوردهای حکومتی و سرکوب، این را تجربه‌ء کشورهای مختلف در عمل نشان داده‌است.

این اهداف صرفاً واکنشی به وضعیت نابسمان طبقه کارگر در ایران است یا جنبش کارگری وظیفه اجتماعی خاصی برای خود معین می‌داند؟

با توجه به اوضاع وخیم طبقه کارگر در

دست‌ها از افغانستان کوتاه



بزرگ می‌توانند به آن‌ها نیز یاری برسانند. در همه کشورها چنین بوده و خواهد بود. چه مشکلاتی باید از مدخل حقوقی- قانونی اصلاح شوند و چه مشکلاتی به سیاست‌گذاری‌های دولتی بر می‌گردد؟ در ساختار موجود به لحاظ حقوقی و سیاست‌گذاری‌های دولتی، عملاً چشم‌اندازی برای رفع مشکلات کارگران وجود ندارد، بلکه در هر دو حوزه دائماً سنگ‌اندازی و اقدامات ضد کارگری صورت می‌گیرد.

تلاش برای رفع این مشکلات، آیا انگونه که بعضی عنوان می‌کنند با چانه‌زنی نزد دستگاه‌های ذی‌ربط، یا پیدا کردن یک متولی حامی کارگران، در بین آنها، قابل حل است؟ یا مستلزم متشکل‌شدن نیروهای کارگری است؟ تفاوت عمده این دو دیدگاه و ضعف و قوت عملگری آنها در کجاست؟

با توجه به اینکه در پاسخ قبلی گفته شد در هیچ حوزه‌ای چشم‌اندازی برای حل مشکلات کارگران وجود ندارد بنابراین نمی‌شود به آنچه چانه‌زنی نزد دستگاه‌های ذی‌ربط [خواننده می‌شود] یا پیدا کردن یک متولی حامی کارگران در بینشان امیدوار هم بود و منطقاً هم چنین امکانی وجود ندارد. بنابراین باید راه حل را در متشکل شدن نیروهای کارگری دنبال کنیم. این دو دیدگاه در مقابل هم قرار دارند و قطعاً تشکل‌یابی و توانمندسازی کارگران برای ایجاد تغییرات بنیادی موثر خواهد شد. تنها تشکلات سراسری کارگران هستند که قدرت واقعی چانه زنی به کارگران می‌دهند.

اگر دولت یا دیگر نهادهای مربوطه تلاش برای دادن امتیازهایی به جنبش کارگری کنند، این امتیازها باید چه آستانه‌ای از اهداف را در بر بگیرد تا برای جنبش کارگری مقبول واقع شود و اصلاً آیا هیچ امتیاز اعطایی، به عنوان مصداق تحقق خواسته‌های جنبش، قابل اعتناست؟ فعالین کارگری به لحاظ عملگری و به لحاظ تئوریک آیا اشکالی در این روش می‌بینند؟

همانطور که گفتیم جنبش کارگری به دنبال عدالت اجتماعی نه در شعار بلکه در عمل و از بین رفتن شکاف طبقاتی است و متأسفانه هیچ جناحی نه اینکه نتوانند یا امکانش وجود نداشته باشد بلکه نمی‌خواهد این مهم محقق شود و شاهد آن هستیم که عموم طبقه کارگر هیچ اعتمادی به چنین وعده‌هایی ندارد.

تشکلی در ایران وجود دارد به نام "خانه

عدالت اجتماعی که عمومی‌ترین خواسته، در کشور است احترام گذاشته و با این نگرش به جنبش کارگری نزدیک بشوند. هیچ دیوار چینی بین خواسته‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی وجود ندارد. این دو به‌طور اورگانیک با هم درآمیخته‌اند و یکی بدون دیگری معنا ندارد. از آن‌جا که جنبش کارگری آرمان‌های ترقی‌خواهانه در همه‌ی حوزه‌ها دارد، این می‌تواند سایر نیروهای اجتماعی را برای رسیدن به آن مطمئن کند. به‌طور مثال در حوزه آزادی برای زنان، محیط زیست، آموزش و بهداشت همگانی و با کیفیت ...

آیا جنبش کارگری از انسجام کامل برای جریان‌ساز شدن برخوردار است؟ اگر خیر، موانع را چه می‌دانید و چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و اگر آری، آیا تمایل نیروهای فعال بر این است که این انسجام، تدریجاً عمل کند؟ یا در بزنگاه‌هایی چون آبان ۹۸ جنبش کارگری به صورت بالقوه امکان جریان [ساز] شدن را دارد که به سرعت می‌تواند به فعل تبدیل شود. نیروهای جنبش کارگری به صورت تدریجی به دنبال این انسجام هستند و نه فقط در بزنگاه‌هایی مانند آبان ۹۸. این حرکت مداوم، منجر به جهش در انسجام خواهد شد و آن‌وقت، تأثیر کارگران در بزنگاه‌ها را نیز بیشتر و تعیین‌کننده‌تر خواهد کرد.

آیا آرمان‌های متعالی جنبش کارگری، در همه آحاد این جنبش، فراگیر است؟ برای گسترش این آرمان‌ها نقش رسانه‌های آزاد تا چه حد حیاتی است؟ و این رسانه‌ها (غیردولتی داخلی و خارجی) تا چه حد از این آرمان‌ها پشتیبانی می‌کنند؟

بله. قطعاً انعکاس رسانه‌ای بدون سانسور و واقع‌گرایانه، بسیار حیاتی است و متأسفانه از آنجا که این رسانه‌ها همگی ساخته نظم سرمایه‌دارانه هستند و نه تنها از ارگان‌های جنبش کارگری پشتیبانی نمی‌کنند بلکه در تقابل با آن و سوء استفاده از اعتراضات کارگران و در جهت هدایت آن به این یا آن جناح از قدرتمندان عمل می‌کنند.

آیا مشکلات ساختاری، در مسیر انسجام اتحادیه‌های مختلف کارگری در سطح وسیع وجود دارد؟

اگر منظورتان وسعت وجود کارگاه‌های کوچک در اقتصاد ایران هست که سازماندهی اتحادیه‌ای را دشوار می‌کند، بله این مشکل، مثل همه کشورها، وجود دارد اما این مانع تشکل نیست. و فعالان کارگری در واحدهای

ایران قطعاً مبارزات کارگری ضرورت دارد با شدت دنبال شود. به‌نظرم تنها طبقه‌ای که می‌تواند از نظر ساختاری و جایگاه و وسعت، در سطح ملی و کل جهان برای مبارزه با استثمار و... اقدام کند، کل طبقه کارگر با در نظر گرفتن بخش‌های متنوع تشکیل دهنده‌اش است.

آیا جنبش کارگری خودش را بخشی از جامعه مدنی می‌داند؟ و در ساخت و پرداخت آن سهیم می‌شناسد؟ یا معتقد به ایفای نقشی مستقل است؟

منی دانم منظورتان از جامعه مدنی چیست. اگر منظورتان این است که ما و سرمایه‌داران در این جامعه برابر هستیم و در ساخت و پرداخت جامعه حقوق برابر داریم که عملاً چنین نیست و همانطور که گفتیم این با ذات سرمایه‌داری در تضاد است و سرمایه‌داری بر اساس نابرابری و استثمار طبقه کارگر پیش می‌رود و به سود دست می‌یابد. تمام ساختار جامعه سرمایه‌داری بر همین نابرابری بنا شده است. اما روشن است که به‌طور کلی جنبش کارگری جزئی از جنبش مدنی و اجتماعی می‌باشد اما جنبش کارگری به‌طور خاص خواهان ایجاد شرایطی است که شکاف طبقاتی وجود نداشته باشد در غیر اینصورت کارگران حتی به‌رغم مشارکت در امور نفعی برایشان نخواهد داشت و تغییرات ریشه‌ای حاصل نخواهد شد.

وزن جنبش کارگری امروز در پویایی جامعه مدنی ایران چقدر است؟

چندین سال است که ایران کشور تظاهرات و اعتراضات اقشار مختلف طبقه کارگر است. حتی در شرایط پاندمی کرونا نیز، این اعتراضات ادامه پیدا کرد. از طرف دیگر به‌طور مشخص در اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ کارگران جوان شاغل و یا بیکار، برای اعتراض به شکاف طبقاتی موجود، حضور داشتند و این هم نشانی از پویایی و رشد جنبش کارگری دارد که در سراسر کشور حضور داشته و یک نیروی بزرگ ملی و سراسری هست. امروز فعالین کارگری، خواسته‌های دموکراتیک همه اقشار زحمتکش را نیز با خود حمل می‌کنند و پرچمدار این خواسته‌ها هم هستند.

باقی نیروهای جامعه مدنی با چه نگرش و آرمان‌هایی به جنبش کارگری نزدیک‌تر خواهند شد؟ ضرورت این آرمان‌ها برای آن‌ها چگونه توجیه می‌شود؟

باقی نیروهای جامعه مدنی باید به خواست



است نه بورژوا دموکراتیک، هدفش براندازی نظام سرمایه‌داری است نه رفم در آن و دست به دست کردن قدرت سیاسی از یک جناح سرمایه‌داری به جناح دیگر کار کرد. "اصلاح طلب، اصولگرا دیگر تمام شد ماجرا" یعنی هدفش هر چیز کردن هیچ بودگان، براندازی تمامیت نظام سرمایه‌داری حاکم است.

در اینجا باید روی سه نکته مهم در ویژگی خط مشی عمومی سیاسی انقلاب کنونی که نقش تعیین کننده‌ای در پذیرش آن توسط اکثریت عظیم دارد انگشت گذاشت:

نکته اول همراه با دو ویژگی ۱ - در ایران ما شاهد استثمار مضاعف در رابطه با وابستگی سرمایه‌داری اش با انحصارات جهانی هستیم و ستم مضاعف بر اثر باقی مانده تفاله های نظام های ماقبل سرمایه‌داری. اما این ویژگی‌ها در تضاد اساسی موجود که بین طبقه کارگر و سرمایه‌داری است تغییر کیفی بوجود نمی آورد. اما در محتوای تضاد اساسی میان دو طبقه ضروریست. علاوه بر استثمار داخلی و مستقیم میان سرمایه‌دار خصوصی یا دولتی به استثمار مضاف ناشی از وابستگی کل نظام سرمایه‌داری ایران به سرمایه امپریالیستی جهانی توجه داشت. این استثمار مضاعف تاثیر مستقیمی در تعیین خط مشی سیاسی عمومی آلترناتیو کارگری می گذارد و پرولتاریا با اقشار مختلف بورژوازی روبروست. همین امروز ما نمایندگان بورژوازی متمایل به امپریالیسم آمریکا را در سیاست اصلاح طلبان و بورژوازی ضد آن در برنامه اصولگرایان می بینیم. درک درست این موضوع یکی از نکاتی است که در گذشته به جنبش کارگری لطمه وارد ساخته است.

۲-

در جامعه کنونی ایران عامل ستم به زن و ستم ملی همچنان موجود است. هیچ برنامه سوسیالیستی نمی تواند این دو عامل را نادیده بگیرد. بر اثر رشد سرمایه‌داری به مرحله امپریالیستی و دخالت‌گریها و رقابت‌های دولت‌های انحصارات بزرگ سرمایه‌داری تا در حد جنگهای جهانی اول و دوم کشورهای پیرامونی بویژه از جمله ایران و ترکیه و کشورهای که امروزه عربی خوانده می شوند از روند طبیعی خارج شدند و در نتیجه بدون حل ستم ملی؛ امپریالیستها در مبارزه با خطر کمونیسم، اسلام را زمانی و در جایی و شونیسم ملی را در جا و زمان دیگری بکار گرفتند. پهلوی‌ها را بر تخت نشاندند تا شونیسم فارس را بر کل جامعه مسلط سازند و خمینی‌ها را هنگامی که توده‌ها بویژه زنان بسوی انقلاب روان بودند جانشینش کردند

عواملی است؟

یکم - در گرو وجود یک خط مشی سیاسی عمومی است

بدست دادن یک مشی عمومی سیاسی برخاسته از واقعیات و ویژگی جامعه ایران که در عمل و در زندگی مبارزات جاری اکثریت عظیم مردم درستی و صحت خود را به منصف ظهور رساند و بتواند چنان تاثیری گذارد که همان اکثریت عظیم برای تغییر جامعه وارد عمل شوند.

چنین خط مشی طبق آموزش های حزب ما باید مبتنی بر تجزیه و تحلیل طبقاتی جامعه ایران باشد یعنی نه تنها از وجود طبقات، مبارزه طبقاتی آگاهی داشت بلکه مهمتر شناخت از چگونگی صف آرائی جاری طبقاتی که در برابر هم براساس شیوه تولید مسلط در جامعه صف آرای کرده اند را دقیقاً مشخص کرد. در صد سال گذشته که طبقه کارگر بعنوان یک طبقه متشکل سازمان‌های مستقل خود را بوجود آورد تغییرات ساختاری در جامعه صورت گرفته است. جامعه اساساً ارباب - رعیتی و تیولداری که بنابر تعریف عام اروپایی فتوئالی نامیده میشود تدریجاً به یک جامعه سرمایه داری با خصوصیات خودش تبدیل شده است. امروز دو طبقه اساسی سرمایه دار و کارگر در برابر هم صف آرای کرده اند که طبقه کارگر به نیروی تعیین کننده در تولید اجتماعی جامعه تبدیل شده است. درست ناشی از رشد نیروهای مولده و اجتماعی شدن شیوه تولید و توزیع و مصرف تضاد آنتاگونیستی با مالکیت وسایل تولید بوجود آمده است. بحران عمومی جامعه کنونی ایران درست ناشی از این تضاد اساسی است و راه حل این تضاد در کشور ما تنها از طریق انقلاب میسر است. راه دیگری موجود نیست.

پراتیک چند دهه‌ی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب فرایند این روند انقلابی را نه تنها ممکن بلکه محتمل کرده است. پیشاهنگان به خود سازماندهی برای انقلاب مشغولند و توده‌های وسیع ستم‌دیدگان و استثمار شونده‌گان لایه به لایه به آنها می پیوندند. خیزش‌های توده‌ای دیمه نودوشش و آبان نود هشت و ادامه‌ی اعتصابات و اعتراضات کارگران در سراسر ایران تا به امروز بطور آشکار و در کف کارخانه‌ها و خیابان‌ها رشد تکاملی یک مشی عمومی سیاسی آلترناتیو کارگری را که اکثریت مردم پشتیبان آنند نشان میدهد. اما هنوز بخاطر وجود جریانات سیاسی اصلاح طلبی، و دموکراتیک و در بعضی از تشکل های چپ نظریه انقلاب دو مرحله‌ای، باید در باره محتوای چنین خط مشی که سوسیالیستی

کارگر" به رهبری آقای محبوب. آیا خانه کارگر را یک تشکل مستقل می‌دانید؟ جایگاه این تشکل در مبارزات کارگری چیست؟ خانه کارگر تشکل کارگری نیست و برابر قانون و طبق ماده ۱۰ احزاب در وزارت کشور ثبت شده‌است و عملاً یک حزب سیاسی می‌باشد. خانه کارگر همچنین امکانات و دارایی‌های کارگران که در اختیار سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری بوده‌است را با زور و استفاده از قدرت حاکم ضبط و منافع آن در اختیار عده‌ای محدود قرار گرفته‌است. خانه کارگر در راستای اهداف قدرت مسلط در کشور فعالیت می‌کند و به‌رغم ادعاهای دروغین در دفاع از حقوق کارگران، نقش سوپاپ اطمینان در اعتراضات کارگری و سرکوب کارگران را ایفا می‌کند.

با سپاس از وقتی که در اختیار ما گذاشتید
پایان

پیروزی آلترناتیو کارگری ... بقیه از صفحه آخر

خرده بورژوازی در رهبری حزب، از لحاظ نظری گزایشی رویونیستی ارزیابی کرد. کنگره دوم آلترناتیو کارگری را برای تصحیح اشتباهات در پیش گرفت و امروز آگاه‌تر و استوارتر برای پیروزی آلترناتیو کارگری و سوسیالیسم مبارزه می کند. برای ما که بر این نظر پافشاری کرده‌ایم که تنها راه براندازی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و جایگزینی‌اش با یک نظام سوسیالیستی است آلترناتیو کارگری پاسخی است به پرسش چه باید کرد. اما دیگر این پاسخ هم کافی نیست. تکامل اوضاع ما را مجبور کرده که به پرسشی دیگر پاسخ دهیم. به عبارت دیگر با حرکت از وضع مشخص کنونی جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی بر اساس تجارب جمع‌بندی شده خود تشکلات کارگری در ایران که خوشبختانه در رسانه‌های عمومی در چند ماه اخیر بازتاب داشته است و در این دو ماه گذشته با فراهم شدن امکانات رسانه‌ای بویژه اتاق‌های کلاب هاوس جنبش کارگری که رفقای پیشرو کارگر از داخل و بطور زنده در آنها شرکت کردند و با دقت و عمق همه جانبه‌ای اوضاع مشخص جنبش کارگری را تشریح نمودند، به این پرسش پاسخی مشخص‌تر دهیم. پرسش چنین است:

پیروزی آلترناتیو کارگری ایران در گرو چه



سر بود منزلش گوشه‌های زندان گشت (شعر از نویسنده مقاله)

رژیمی که پس از کودتای ۲۸ مرداد زمام قدرت را در دست گرفت، رژیم عمیقاً ضد مردمی و آزادی کش بود. در فاصله بین کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، به مدت ۲۵ سال، کوچک‌ترین نشانی از آزادی و دموکراسی در ایران اسیر در چنگ ارتجاع، وجود نداشت. در تمام این مدت، سانسور کشنده‌ای در عالم مطبوعات حاکم بود و از احزاب و سازمان‌های سیاسی آزاد و اتحادیه‌های کارگری مستقل، خبری نبود. نمایندگان مجلسین همه دست نشانندگان رژیم شاه بودند و وزرای چاپلوس دست چین شده، جز اجرای منویات ملوکانه، کار دیگری انجام نمی دادند. در اواخر حکومت شاه، جای دو حزب دولتی فرمایشی را، حزب آریا مهری "رستاخیز" گرفت. مبارزه علیه رژیم کودتا از همان روزهای آغازین به قدرت رسیدن این رژیم سرسپرده، شروع شد. دانشجویان مبارز دانشگاه‌ها از نخستین کسان بودند که سر تسلیم به رژیم کودتا فرود نیاورده و پرچم مبارزه و مقاومت را بر افراشته نگه داشتند. از چند روز پیش از واقعه خونین ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، در دانشکده فنی، موجی از اعتراضات ضد رژیم سرتاسر محوطه دانشگاه تهران را فرا گرفته بود. دانشجویان با شرکت در تظاهرات افشاگرانه، خشم و ناخشنودی خود را از سفر قریب الوقوع نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا به ایران و برقراری مجدد روابط سیاسی با انگلستان، آشکار می ساختند. در روز ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، در نتیجه هجوم سربازان و گارد ویژه رژیم کودتا به دانشکده فنی، سه تن از دانشجویان به نام های شریعت رضوی، بزرگ نیا و قندچی کشته شدند. در اعتراض به این جنایت و وحشی‌گری، دانشجویان دانشگاه تهران و دیگر شهرها دست به اعتصاب زدند. در طول سال‌ها، دانشجویان همواره خاطره ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ را گرامی داشته‌اند. در فاصله بین کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی رژیم شاه به دست توده‌های زحمتکش، بارها کماندوها به دانشگاه‌ها حمله برده و در نهایت سبعیت و درنده خوئی با دانشجویان رفتار کردند.

در طول سال‌ها، در زندان‌ها و سیاه چال‌های رژیم، مبارزین و مخالفین رژیم، در معرض وحشیانه ترین شکنجه‌های جسمی و روحی از جانب عمال پلید "ساواک"، قرار داشتند. رژیم شاه در طول ۲۵ سال حکومت مطلقه، همواره فریاد آزادی خواهی را با حبس و شکنجه و اعدام، پاسخ میداد. درعین حال، در تمام این مدت با وجود ترور و خفقان موجود، کارگران، توده‌های محروم و زحمتکش، روشنفکران انقلابی

مروری بر یک قرن مبارز و ... بقیه از صفحه آخر

به منظور سرنگون ساختن دولت دکتر مصدق شد. در این توطئه امپریالیستی، سازمان سیا و سازمان‌های جاسوسی انگلستان متحداً عمل کرده و همکاری و همراهی نزدیک داشتند. کودتای ننگین ۲۸ مرداد، به دنبال کودتای ناکام ۲۵ مرداد که سبب فرار شاه از کشور گردید، در حقیقت امر اقدام جنایتکارانه امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس جهت خنثی ساختن تلاش‌های توده‌های زحمتکش ایران در جهت رهایی از چنگ استعمارگران و حاکم شدن بر مقدرات خود بود. شاه و خواهرش اشرف، به مثابه نوکران استعمار و در همراهی با آن‌ها، آیت الله کاشانی و دیگر آیت الله‌های جیره خوار، همچنان الواط و چاقو کشان تهران در پیشبرد کودتای امپریالیستی علیه دولت دکتر مصدق، فعالیت همه جانبه داشتند.

به دنبال کودتای ۲۸ مرداد و بر افتادن دولت ترقی خواه دکتر مصدق، شاه فراری به ایران برگشته و توسط قدرتهای امپریالیستی و دلارهای آمریکائی که نصیب الواط تهران شده بود، دوباره بر تخت لوزان سلطنت، نشست. با بر افتادن دولت دکتر مصدق و برگشت شاه، آزادی‌های نسبی دموکراتیک جای خود را به استبداد و خودکامگی داد و دیو مهیب خود سری بر سرتاسر کشور، سایه افکند. در همان آغاز تسلط حکومت کودتائی، انبوه عظیمی از مخالفین دستگیر گردیده، زندان‌ها و سیاه چال‌ها مملو از مبارزین و آزادیخواهانی شد که فریاد اعتراض خود را علیه رژیم کودتا و تسلط بیگانگان بر شئون کشور، بلند کرده بودند. دکتر مصدق که با مبارزات و ایستادگی هایش کینه قدرت‌های سلطه‌گرو ایدای شوم داخلی آن‌ها را متوجه خود ساخته بود، در بیدادگاه‌های رژیم کودتا محاکمه و به سه سال زندان و حبس خانگی دائمی محکوم گردید. دکتر حسین فاطمی، وزیر خارجه دولت مصدق که در مقابله با اعمال خیانت‌کارانه شاه و دربار پهلوی مقاومت و سرسختی نشان داده بود، در حال بیماری اعدام شد. کریم پور شیرازی مدیر روزنامه افشاگر "شورش" را به خاطر مقالات آتشینی که علیه درباریان و دیگر مرتجعین می نوشت، کینه توزانه کشتند و برای حفظ سلطه ننگین رژیم کودتائی، دسته دسته افسران آزادیخواه را به جوخه‌های اعدام سپردند. سرنگون شد حکومت ملی چون به دست ارادل و اوباش حکم فرمای ملک ایران شد فرقه دزد و خائن و کلاش +++ روز روشن به شب مبدل شد حال آزادگان پریشان گشت آن که را عشق توده در

تا تحت عنوان اسلام جنبش ترقی خواهی و انقلابی را سرکوب کنند. بنابراین ما امروز با زندان بزرگ زنان و ملیت‌های تحت ستم ایران تحت تسلط ولایت فقیه شیعه دوازده امامی روبرو هستیم. از آنجا که طبقه کارگر طبقه ایست جهانی و بر اتحاد بزرگ طبقاتی کارگران و خلقهای ستمدیده پافشاری دارد و آنرا رمز پیروزی بر دشمنان خود می داند با سیاست تفرقه انداز و حکومت کن امپریالیستها مبارزه می کند و نه تنها علیه شونیسیم ملی بلکه علیه ناسیونالیسم تنگ نظرانه که بورژوازی و خرده بورژوازی ملل ستمدیده تبلیغ می کنند موضع دارد.

تا اینجا اولین نکته را در پاسخ به پرسش شرایط پیروزی آترناتیو کارگری گفتیم دو شرط دیگر باقی می ماند:

نکته دوم

خود سازماندهی طبقه کارگر در کارخانه‌ها و مؤسسات و دیگر بنگاه‌های کارگری در اشلی سراسری

نکته سوم

سازماندهی اتحادی بزرگ و سراسری از کلیه استثمار شدگان و ستمدیدگان

این سه عامل اساسی توأمان باید جلو روند که در ادامه این نوشته یک به یک مورد بحث قرار می گیرد. روشن است که چنین برنامه‌ای هنگامی می تواند عملی شود که نه تنها طبقه کارگر و توده‌ها درستی آنرا صحنه زدند بلکه بتوانند در بهترین شکلی ابتکارات خود را شکوفا ساخته و برای تحقق آن تا آخر مبارزه کنند.

ادامه دارد محسن رضوانی

بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات

حزب رنجبران ایران می باشد

دیگر نوشته های مندرج در

نشریه رنجبر به امضای

فردی است و مسئولیت آنها با

نویسندگانشان می باشد.



در این نوشته اجمالی در زمینه تاریخ معاصر، بارها مبارزات توده‌های زحمتکش ایران در مقابل با سلاطین مستبد پهلوی، یاد آوری شده است. در دوران سلطه‌گری رژیم جمهوری اسلامی نیز، مبارزات، جنبش‌های اعتراضی و قیام‌های خونین توده‌های تحت ستم ایران، همواره دوام داشته است. در واقع امر، در طول ۴۲ سال که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بر ایران تسلط داشته، ما شاهد مبارزات خونین کارگران، توده‌های زحمتکش، زنان اسیر و در بند و ملت‌های تحت ستم علیه این رژیم خودکامه، بوده‌ایم. نمونه بر جسته این پایداری و مبارزه توده‌های به پا خاسته و زحمتکش را می‌توان در مبارزات پرشکوه کارگران هفت تپه و فولاد سازی اهواز و دیگر کارخانه‌ها و قیام رزمجویانه توده‌های زحمتکش در سال ۹۸، مشاهده کرد. در سرکوب این قیام پرشکوه، رژیم که موجودیت ننگینش را سخت در خطر می‌دید، نهایت وحشی‌گری را نشان داده و خون بیش از هزار و پانصد تن از فرزندان دلیر خلق‌های ایران را به زمین ریخت. این سرکوبیها و اعمال ننگین ضد بشری علیه جوانان مبارز به پا خاسته، این اعدام‌ها و آدم ربائی‌ها و این سرکوب بیرحمانه مبارزات کارگران، بر آتش خشم توده‌ها دامن زده، روز انقلاب توده‌ای و سرنگونی حتمی سلطه رژیم جمهوری اسلامی را نزدیک‌تر می‌سازد. تردیدی وجود ندارد که در آینده‌ای که دور نیست، کارگران و زحمت‌کشان ایران و توده‌های میلیونی به پا خاسته در طول مبارزات قهر آمیز انقلابی، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را با تمام اعوان و انصارش سرنگون ساخته و پیکر منحوسش را در زیر تل‌های خاک، دفن خواهند کرد. در پایان این نوشته در زمینه یک قرن مبارزه و مقاومت در ایران، ابیاتی از شعری را که چند سال پیش در افشای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ساخته‌ام، برای حسن ختام می‌آورم. من این بند اسارت را که دین بر پای زن بسته است من این تحقیر و این آزار نسوان را نمی‌خواهم من این زنجیر استبداد را بر پای آزادی من این کین تیزی و بیداد شیخان را نمی‌خواهم من این شیخ ستمگر را که خون خلق می‌ریزد من این کشتار و این سرکوب و زندان را نمی‌خواهم برای خاطر شعر و سرود و عشق و آزادی به قتل عاشقان، فتوی و فرمان را نمی‌خواهم برای دفع شر دشمنان توده زحمت رهی جز انقلاب و قهر و عصیان را نمی‌خواهم.

حسن جداری

پایان خرداد ماه سال ۱۴۰۰

جز سرکوب و استبداد نداشتند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که در شرایط فقدان آلتزناتیو انقلابی، جای رژیم سرنگون شده شاه را گرفت، از همان روزهای نخست تصرف قدرت سیاسی، در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی، سیاست‌های عمیقاً ارتجاعی اتخاذ کرده و بیرحمانه به پایمال ساختن آزادی‌های دموکراتیک پرداخت. انقلابی به خاک ایران شد خانه ظلم شاه، ویران شد چهره مردم از چنین اوضاع چند روزی چو غنچه، خندان شد ای دریغا که سلطه ملا حاصل آن تلاش و عصیان، شد! (شعر از نویسنده مقاله) اینک در حالی که این مقاله نوشته می‌شود، بیش از ۴۲ سال از عمر ننگین رژیم آزادی‌کش و تاریک اندیش جمهوری اسلامی می‌گذرد. در طول این مدت نسبتاً طولانی، کوچک‌ترین نشانه‌ای از آزادی و دموکراسی در ایران اسیر در چنگ یکی از مرتجع‌ترین رژیم‌های آزادی‌کش موجود در جهان، وجود نداشته است. رژیم خودکامه، در تمام این مدت با سرکوب عریان و حبس و شکنجه و اعدام به خواست‌های حقه توده‌های زحمتکش، پاسخ داده است. استثمار بیرحمانه کارگران و محروم ساختن آنها از حقوق سیاسی و صنفی، غارت بی پروای هستی توده‌های محروم و تهی دست، دزدی از اموال دولتی و فساد مالی، زندگی انگلی و اشرافی در کاخ‌های سر به فلک کشیده و اشتباهی سیری ناپذیر در ثروت اندوزی، زن ستیزی و پایمال ساختن حقوق انسانی زنان، پر کردن زندان‌ها از انسان‌های آزاده و شریفی که جرات به خرج داده و با رژیم آزادی‌کش به مخالفت پرداخته اند، شکنجه‌های جسمی و روحی در زندان‌ها و سیاه چال‌های قرون وسطائی، اعدام‌های دسته جمعی مبارزین، کشتار چندین هزار تن از زندانیان سیاسی در سال ۶۷، قتل‌های زنجیره‌ای، قتل ده‌ها تن از مبارزین و مخالفین در خارج از کشور، آدم ربائی، سرکوب مبارزات خلق‌های تحت ستم، ستمگری در حق مذاهب غیر مذهب رسمی، ریختن میلیاردها دلار از حاصل کار و زحمت توده‌های زحمتکش و در آمد حاصله از نفت و گاز به جیب جنایت‌کارانی نظیر اسد و دار و دسته‌های ارتجاعی مذهبی در نقاط مختلف جهان، وابستگی روز افزون به قدرت‌های استعمارگر و بستن قراردادهای اقتصادی و سیاسی اسارت بار با دول سلطه‌گر امپریالیستی، تنها بخشی از جنایات و اعمال ضد انسانی رژیم قرون وسطائی حاکم در ایران را تشکیل می‌دهد. روزی که این رژیم خون آشام به دست توده‌های زحمتکش به زباله‌دان تاریخ افکنده شد، ابعاد گسترده جنایات و اعمال ضد بشری آدم‌کشان حاکم در ایران، هرچه بی‌پرده‌تر در معرض دید جهانیان، قرار خواهد گرفت.

و دانشجویان دانشگاه‌ها هرگز دست از مبارزه در جهت رهائی از چنگال ارتجاع حاکم بر نداشته و ساکت نه نشستند. وابستگی رژیم شاه به قدرت‌های امپریالیستی و در درجه نخست به امپریالیسم آمریکا سبب می‌گردید که دول استعماری از طریق به تاراج بردن منابع طبیعی کشور، صدور سرمایه و معاملات نابرابر، همه ساله سود سرشاری عاید خود سازند. سال به سال، رژیم شاه بخش قابل ملاحظه‌ای از در آمد نفت را در ازای خرید اسلحه‌های آخرین ساخت از آمریکا و دیگر امپریالیست‌ها، بر باد می‌داد. در حالی که فاصله طبقاتی در کشور هر روز عمیق‌تر می‌گردید و سرمایه‌داران کلان داخلی و خارجی و اعضای خاندان پهلوی در غارت هستی توده‌های زحمتکش بر یکدیگر سبقت می‌جستند، کارگران و توده‌های زحمتکش شهر و ده در نهایت فقر و فلاکت زندگی می‌کردند. در سال‌های آخر حکومت شاه، کشتار بیرحمانه کارگران چیت جهان که در اعتراض به وضع ناهنجار زندگی، دست به اعتصاب و راه پیمائی زده بودند، سبب طغیان خشم توده‌ها علیه رژیم شد که در خدمت به قدرت‌های امپریالیستی و حمایت از منافع صاحبان ثروت و دارائی، خون زحمت‌کشان را بی‌محابا به زمین می‌ریخت. نمونه برجسته‌ای از طغیان خشم عمومی علیه رژیم دست نشانده شاه، مبارزه مسلحانه جوانان پرشور انقلابی بود که بیزار از سست عنصری و سکوت سازمان‌های سیاسی موجود، به قصد سرنگون ساختن سلطه رژیم ارتجاعی، دست به اسلحه برده، جان بر کف، تلاش و جانفشانی می‌کردند. تاریخ معاصر ایران همواره پایداری و مقاومت بی‌نظیر مبارزین و انقلابیون را که به منظور سرنگون ساختن سلطه استبدادی رژیم شاه، به قهر انقلابی متوسل شده بودند، در سینه خود نگه خواهد داشت. در سال‌های آخر حکومت شاه، مبارزات کارگران و توده‌های زحمتکش علیه رژیم استبدادی، سرعت بیشتری بخود گرفت. کارگران و اقشار و طبقات محروم و زحمتکش جامعه، طی ماه‌ها مبارزه و دادن قربانی‌های بیشمار، نهایت بیزاری خود را از رژیم چپاولگر شاه نشان داده و عزم راسخ خود را در جهت سرنگون ساختن سلطه این رژیم ضد مردمی، به نمایش گذاشتند. توده‌های میلیونی زحمتکش که طی سال‌ها از رژیم دست نشانده شاه چیزی جز فقر و استثمار و سرکوب ندیده بودند، بالاخره با مبارزات و پایداری خود، در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، طومار عمر این رژیم ضد مردمی را برای همیشه درهم پیچیدند. اما توده‌های زحمتکش که در مبارزه علیه رژیم شاه نهایت فداکاری و از جان گذشتگی را نشان داده بودند، در فردای سرنگونی این رژیم خودکامه از آن همه تلاش و مبارزه، بهره‌ای

مصاحبه رضا شهابی (۲)

طبقاتی قرار داشته باشند، می‌توانند به بهتر شدن اوضاع کارگران و حقوق بگیران ثابت، بهتر شدن شرایط مبارزه دموکراتیک، سراسری شدن تشکلات و به صورت کلی، اصلاح ریشه‌ای در کشور، کمک موثری بکنند. اساساً وجود نهادهای مدنی و دموکراتیک از این دست، به نهادینه شدن دموکراسی و بهبود قدرت تشکل و بیان کل جنبش‌های اجتماعی کمک موثری می‌کنند و باید در جهت ایجاد و نیز همکاری هر چه بیشتر با آن‌هایی که [در موضع] به نقد موجود هستند کوشید.

الباقی از شرایط موجود ذینفع نخواهند بود [و] استعمار خواهند شد، لذا ضرورت دارد جنبش کارگری و جنبش دانشجویی هر چه بیشتر همگرایی داشته باشند. نقش جنبش دانشجویی و جنبش‌های مدنی و NGO آنها را تا چه حد در شنیده شدن صدای کارگران پررنگ می‌دانید و چه انتظاراتی از آن‌ها دارید؟ جنبش دانشجویی و سایر جنبش‌ها و NGO آنها چنانچه به صورت واقعی، در مدار حمایت از کارگران و جامعه بدون شکاف

مصاحبه رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد با نشریه دانشجویی (۲) "حیات نو" دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

July 16, 2021

با سلام و عرض تحیت خدمت شما جناب شهابی بله از آنجا که بخش بسیار بزرگی از دانشجویان امروز، کارگران ماهر فردا خواهند بود، همچنین در شرایط حاکم در کشور قطعاً به غیر از تعدادی ناچیز در بین دانشجویان،

پیروزی آلترناتیو کارگری در گرو چیست

صفت سرمایه داران، انتخابی است بین ترقی و پیشرفت و برابری یا ارتجاع و تبعیض و فقر و شکاف طبقاتی. دیر یا زود احزاب و سازمان‌های سیاسی باید تصمیم خود را بگیرند؛ راه سومی موجود نیست. از هم اکنون انشعابات و مبارزات درونی آنها دیده میشود. حزب ما که در انقلاب ۵۷ به مدت نه ماه دچار انحراف راست خط مشی شد و برخورد دوگانه به رژیم جمهوری اسلامی داشت؛ لطمات زیادی را متحمل شد. کنگره دوم حزب در سال ۱۳۶۳ همه جانبه این انحراف راست را مورد نقد قرار داد. در حیطه طبقاتی آنرا ناشی از وجود

میدان مبارزه طبقاتی ایران بیش از صد سال با ایجاد حزب کمونیست ایران مطرح بوده است و در دوران بحران‌های عظیم سیاسی و فراز و نشیب‌های جنبش کارگری بطور برجسته ای شرکت محسوس داشته است اما امروز در ایران این آلترناتیو زمینه مادی اجتماعی میلیونی یافته است. ایران به کدام سو می رود بستگی به حل تضاد میان این دو طبقه است سرمایه داران یا کارگران، میان طبقه کارگر یا بورژوازی. به عبارتی سیاسی، انتخابی است بین آلترناتیو کارگری و آلترناتیو بورژوازی، انتخابی است بین منافع اکثریت عظیم مردم یا مشتی کوچک زالو

پیروزی آلترناتیو کارگری ایران در گرو چه عواملی است؟

با گسترش بازم جنبش کارگری بویژه پیوستن کارگران پروژه ای شرکت نفت و پتروشیمی در وسعتی نسبتاً سراسری به اعتصابات، موضوع آلترناتیو کارگری را در فضای سیاسی ایران به گفتمان روز تبدیل کرده است. برای اولین بار صف آرائی طبقاتی روشنی میان دو طبقه اصلی جامعه صرفنظر از ظاهر حجاب و بی حجاب، عمامه و تاج، غربی یا شرقی به چشم می خورد. با اینکه آلترناتیو کارگری بعنوان یک برنامه سیاسی واقعی و عملی در

مروری بر یک قرن سکوت (۳)

توطئه‌های عمال استعمار باخبر گردیده، از در عقبی کاخ بیرون رفت و از خطر مرگ حتمی توسط اوباش درباری از قبیل شعبان بی مخ، جان سالم بدر برد. توطئه‌گرهای امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس به منظور بر انداختن دولت دکتر مصدق پس از وقایع ۹ اسفند سال ۱۳۳۱ نیز همچنان ادامه داشت. امپریالیسم آمریکا در چند هفته پیش از کودتای ۲۸ مرداد، بر فعالیت‌های توطئه‌گرانه خود سرعت داده و مشغول تدارک زمینه مناسب

شده بود، شاه ناگهان تصمیم به مسافرت به خارج از کشور گرفت. دکتر مصدق به منظور خدا حافظی با شاه، روانه دربار شد. اوباش و چاقوکشان "شاه دوست" به بهانه جلوگیری از مسافرت کذائی شاه، در جلو درب ورودی کاخ دربار اجتماع کردند. دشمنان آزادی و سعادت توده‌ها شعارهایی در ستایش از شاه و علیه دکتر مصدق سر داده و منتظر برگشت وی از دربار بودند تا قصد شوم خود را عملی سازند. دکتر مصدق به نحوی از انجا از قصد دربار و

پس از پیروزی قیام خونین سی تیر و سر کار آمدن مجدد دکتر مصدق، امپریالیست‌های انگلیسی و آمریکائی و نوکران بومی آنها که در حادثه آفرینی سی تیر تیرشان به سنگ خورده بود، دست از توطئه‌گری بر نداشته و به دست عوامل جیره خوار خود، در جهت بر انداختن دولت دکتر مصدق، نقشه دیگری کشیدند. این بار به دستور شاه، ایادی استعمار و چاقوکشان و مزدوران درباری در صدد کشتن دکتر مصدق برآمدند. مطابق طرح جنایتکارانه‌ای که چیده

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غرّفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org